

حفاظت از بناهای تاریخی

انتشارات طحان

ناشر تخصصی معماری و شهرسازی



سردر آسایشگاه سن میشل، رم، ایتالیا، پیش از حفاظت

این وضعیت به دلیل فقدان مراقبت ایجاد شده که از برنامه‌ریزی زیان‌ده ناشی می‌شود. خروجی‌های آب باران رها شده بودند تا اینکه مسنود شده و بنابراین آبروها سرریز کرده که موجب پوسیدگی انتهای تیرهای اصلی گردیده بود که آنها نیز به نوبه خود فرو می‌ریزند و سازه بام را با خود پایین می‌آورند.

حفاظت از بناهای تاریخی

تألیف

سربرنارد فیلدن

ترجمه

محمد مهدی هوشیاری

انتشارات طحان

ناشر تخصصی معماری و شهرسازی

- سرشناسه : فیلدن، برنارد ملکیور، ۱۹۱۹ - ۲۰۰۸ م.
- (Feilden, Bernard M. (Bernard Melchior)
- عنوان و نام پدیدآور : حفاظت از بناهای تاریخی / مولف سربرنارد فیلدن ؛ مترجم محمدمهدی هوشیاری.
- مشخصات نشر : تهران : طحان ، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۳۶۸ ص.؛ مصور؛ ۲۲×۲۹ س.م.
- شابک : 978-600-7581-04-9
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : عنوان اصلی: conservation historic buldings
- موضوع : ساختمان‌های تاریخی -- نگهداری و مرمت
- موضوع : آثار تاریخی -- نگهداری و مرمت
- شناسه افزوده : هوشیاری، محمدمهدی، ۱۳۶۰ - مترجم
- رده بندی کنگره : NA۱۳۹۳۱۰۵۷ ح۹ف /
- رده بندی دیویی : ۲۸۸/۷۲۰
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۲۲۷۵۸

حفاظت از بناهای تاریخی

تألیف: سربرنارد فیلدن

مترجم: محمدمهدی هوشیاری

ناشر: طحان

مدیر تولید: ابوالفضل چلاخلو

چاپ: آرمانسا

صحافی: آرمانسا

لینتوگرافی: آرمانسا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹-۰۴-۷۵۸۱-۰۰-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان



تلفن‌های مرکز پخش انتشارات طحان: ۶۶۴۰۳۱۹۱ - ۶۶۴۰۳۲۰۸ - ۰۲۱
 فاکس: ۶۶۹۶۷۰۵۹ شماره همراه: ۰۹۱۲۱۹۸۵۶۱۷
 Website: www.tahan-pub.com

« به نام معمار هستی »

یوکیلهتو درباره ایشان است. جمله نقل قول انتهای دیباچه مترجم به نقل از یکی از شاگردان پروفیسور فیلدن، تأکیدی است بر این باور ایشان که مصرف سیمان پرتلند در مرمت بناهای تاریخی باید به حداقل رسانده شود، و به عنوان ملات و اندود نیز هرگز استفاده نشود.

تأکید محتوای کتاب بر آسیب‌شناسی سازه‌ای و بیان تجربه‌های پروفیسور فیلدن در درمان آسیب‌ها، متن پیچیده‌ای را پیش روی مخاطب قرار داده است؛ در همین راستا ترجمه‌ی کتاب افزون بر متن اصلی، به یک فرهنگ لغات تخصصی نیز مجهز گشته تا بر کاربرد آموزشی آن تأکید داشته باشد. امید است که تجربیات و دیدگاه‌های این معمار-حفاظت‌گر بزرگ میراث معماری به واسطه این ترجمه، ملموس‌تر و قابل فهم‌تر مورد بهره‌برداری علمی و آموزشی قرار گیرد.

بهنام پدرام

عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان - دانشکده مرمت
گروه آموزشی مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی

تیر ماه ۱۳۹۴

شناخت اصول حفاظت معماری، دانش ترجمه و تعهد به تلاش برای حفاظت از میراث معماری در تعامل با یکدیگر، ترجمه‌های تأثیرگذار در زمینه حفاظت میراث معماری را به وجود می‌آورند. ترجمه متن کتاب حفاظت از بناهای تاریخی اثر پروفیسور برنارد فیلدن حرکتی بود که مدت‌ها به تعویق افتاده بود. متنی دشوار و چند وجهی که با تلاش چند ساله‌ی مترجم ساعی آن آقای مهدی هوشیاری، اکنون تکمیل‌کننده بخشی از کمبود کتاب‌های تخصصی حفاظت و مرمت به زبان فارسی شده است. آشنایی با اندیشه‌ها و روش برخورد حفاظتی پروفیسور فیلدن با بناهای تاریخی آسیب‌دیده، در این کتاب بهتر از هر جای دیگری معرفی شده است. کتابی سرشار از تجربه‌های مرمتی یک حفاظت‌گر بزرگ، که به عنوان یک منبع آموزشی پر کاربرد جلوه می‌کند.

نسخه چاپ سوم این کتاب به زبان انگلیسی مربوط به سال ۲۰۰۳ م. که اینک ترجمه فارسی آن در دسترس مشتاقان قرار گرفته است، دارای افزوده‌هایی نسبت به نسخه چاپ قبلی است، از جمله دیباچه ارزشمند نویسنده بر چاپ مذکور؛ که در آن به رعایت اصول اخلاقی گروه حفاظت‌گران و همچنین شناسایی ارزش‌های موجود در اثر و قرار دادن آنها در اولویت‌بندی، توجه و یاد نموده است. این دیباچه به همراه «مقدمه‌ای بر حفاظت معماری» مفاهیم نظری و عملی را در کار نویسنده برای مخاطب روشن و مفهوم می‌سازد.

دیباچه مترجم بر معرفی شخصیت پروفیسور فیلدن متمرکز گردیده که بخشی از آن در برگزیده نقطه نظرات پروفیسور

برنارد ملکیور فیلدن^۱ در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۹ در لندن به دنیا می‌آید. علاقه به معماری را از پدربزرگ مادریش که یک معمار بود به ارث می‌برد. فیلدن وارد یک مدرسه معماری در لندن می‌شود که جنگ جهانی دوم آغاز می‌گردد و او نیز درس را نیمه‌کاره رها کرده و به خدمت نظام می‌رود. او در جنگ به هند اعزام می‌شود و پس از مدتی نیز به ایران و عراق فرستاده می‌گردد تا از چاه‌های نفتی مراقبت کنند و یا اینکه در صورت سرازیر شدن نازی‌ها از روسیه به سمت جنوب، میدان‌های نفتی را منفجر سازند. پس از پایان یافتن جنگ فیلدن به انگلستان برگشته و تحصیل خود در معماری را ادامه می‌دهد تا اینکه در سال ۱۹۴۹ پس از گرفتن مدرک معماری خود در نورویچ مشغول به کار می‌شود و کلیسایی را نیز در آنجا طراحی می‌کند که این کلیسا در سال ۲۰۰۸ در فهرست آثار ملی انگلستان ثبت می‌گردد. فیلدن در اثر حادثه‌ای چشم چپ خود را از دست می‌دهد و با پول بیمه آن و به همراه دیوید ماو سون شرکت معماران فیلدن + ماو سون^۲ را در نورویچ تأسیس می‌کند. این شرکت در طول ۵۰ سال پس از تأسیس آن رشد کرده و پروژه‌های مسکونی، صنعتی، تجاری و آموزشی بسیاری را طراحی و اجرا می‌کند و هم‌اکنون نیز در چندین شهر انگلستان و همچنین در پراگ پایتخت چک دارای نمایندگی می‌باشد. فیلدن در آغاز یک معمار بود و در حدود ۱۴ سال پس از معمار شدنش و در سن ۴۴ سالگی است که برای نخستین بار وارد حیطه حفاظت می‌شود. او در سال ۱۹۶۲ از طرف اسقف نورویچ مأموریت می‌یابد که از کلیسای جامع شهر حفاظت کند و چاره‌ای برای برج مخروطی لرزان و آسیب‌دیده کلیسا بیابد. این برج مخروطی در چنان وضعیت ناگواری بود که حتی پیشنهاد تخریب و دوباره‌سازی آن را داده بودند. فیلدن برای محافظت از سنگ‌های ترک‌خورده و لرزان آن، یک سامانه کششی فتری را با سیم‌های فولادی طراحی و اجرا می‌کند و از اینجا به بعد است که فیلدن با حل این مشکل پیچیده و دشوار در مسیر حفاظت معماری گام برمی‌دارد و پیشنهادهای کاری بسیاری جهت حفاظت از بناهای تاریخی دریافت

می‌کند. او از سال ۷۱-۱۹۶۵ برآوردکننده کالبد کلیسا صومعه یورک می‌شود و برج مرکزی آن را که در حال نشست بود، جسورانه با افزودن شالوده‌های جدید تقویت می‌کند و آن را از خطر فروریزی نجات می‌دهد. فیلدن همچنین برآوردکننده کالبد کیسای سنت پل لندن نیز بوده است. افزون بر طراحی و اجرای برنامه‌های مرمتی و حفاظت کالبدی، فیلدن در برخی از امور برنامه‌ریزی راهبردی نیز شرکت داشته است؛ مانند طرح حفاظتی که او در سال ۱۹۷۵ برای نجات مرکز تاریخی شهر چستر فیلد ارائه می‌دهد، کاری که شایسته دریافت نشان نقره نوسترای اروپا^۳ می‌گردد.

فیلدن در دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ در دانشگاه یورک در مقطع ارشد تدریس می‌کرده و هزینه‌های ایجاد یک آزمایشگاه برای آموزش‌های فنی را نیز متقبل می‌شود. او همچنین درس حفاظت معماری را از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۴ در ایکروم در رم تدریس می‌کرد و از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ نیز مدیرکل ایکروم می‌شود. حتی خود واژه ایکروم ICCROM نیز پیشنهاد اوست که معنای سازمان مربوطه را نیز بدین ترتیب اصلاح می‌کند. در طول این مدت است که او برای حفاظت گنبد مسجدالاقصی در بیت‌المقدس مشاوره می‌دهد و برای آن شایسته دریافت جایزه آقاخان در سال ۱۹۸۶ می‌گردد. از این پس دیگر فیلدن در سطح جهانی شناخته می‌شد و به عنوان مأمور یونسکو در امر حفاظت از بناهای تاریخی در کشورهای مختلف به مشاوره می‌پرداخت؛ چنانچه به دولت هند در حفاظت تاج محل و پرستشگاه خورشید در کونارک هند و همچنین به دولت چین در حفاظت شهر ممنوعه و دیوار بزرگ چین و بناهای دیگری در این کشور کمک مشاوره‌ای می‌داد. او به عنوان یک مأمور ایکروم و مشاور یونسکو در کشورهای دیگری همچون ایران، عراق، پاکستان، سری‌لانکا، نیوزیلند و کانادا نیز به معماران و مرمتگران مشاوره می‌داد. فیلدن یکی از اعضای کمیته آموزش بین‌المللی ایکوموس بود و آموزش‌های او در رم و ایده‌ها و اندیشه‌هایش تأثیر بسزایی بر ایکوموس و انتشار رهنمودهایی بر آموزش و یادگیری حفاظت از یادمان‌ها، مجموعه‌ها و

⁴ Journal of Architectural Conservation. 2009. 15: 5-26.

¹ Bernard Melchior Feilden

² Feilden+Mawson

³ Europa Nostra medal

محوطه‌ها در ۱۹۹۳ داشت که مبنایی برای بسیاری از کارهای امروز در سطح جهانی می‌باشد. فیلدن در بسیاری از دانشگاه‌های ایالات متحده نیز تدریس می‌کرده و تدریس‌های کوتاه مدتی نیز در عراق، ایران، چین، هند، پاکستان و سری‌لانکا داشته است.

افزون بر مقالات بی‌شماری که فیلدن در نشریات تخصصی به چاپ می‌رساند کتاب‌هایی را نیز منتشر کرده که بدین قرار می‌باشند: شگفتی کلیسا صومعه یورک (۱۹۷۶)

مقدمه‌ای بر حفاظت (۱۹۷۹)
بین دو زمین‌لرزه، اموال فرهنگی در مناطق زلزله‌خیز (۱۹۸۹)
رهنمودهایی برای حفاظت در هند (۱۹۸۹)
رهنمودهایی برای مدیریت محوطه‌های میراث فرهنگی جهانی (۱۹۹۳)

اما سربرنارد فیلدن را بیش از همه با کتاب حفاظت از بناهای تاریخی (۱۹۸۲- ویرایش سوم ۲۰۰۳) می‌شناسند که جامع‌ترین نوشتار فنی است که حاصل تجربیات فیلدن را با نگاهی فراگیر بر همه جنبه‌های حفاظت بنا ارائه می‌کند. ویرایش دوم این کتاب در سال ۱۹۹۴ به چاپ می‌رسد و در سال ۲۰۰۳ نیز فیلدن با افزودن مقدمه‌ای بر آن و فصل‌هایی در رابطه با حفاظت از معماری نوین و همچنین رهنمودهای ایکوموس مبنی بر همکاری میان‌دانشی و تغییراتی دیگر، ویرایش سوم آن را منتشر می‌سازد.

یوکا یوکیلهتو درباره فیلدن چنین می‌گوید: «حفاظت برای او به معنای مدیریت خردمندانه‌ی منابع اغلب کمیاب، قضاوت درست و داشتن درکی شفاف از تناسب‌هاست. او بر این پافشاری می‌کرد که کار علمی و فنی همواره باید براساس نظریه حفاظتی درست و همکاری چندرشته‌ای باشد. شعار او این بود: لطفاً انجام بازرسی‌های منظم و مراقبت!»

یوکیلهتو همچنین هدف کتاب فیلدن را این‌گونه توصیف می‌کند:

کتاب فیلدن در پی آن نیست که یک نظریه حفاظت را ارائه کند، بلکه یک مرجع راهنمای کاربردی و قابل استفاده برای معماران،

مساحان و متولیان ساخت‌وساز می‌باشد. با این همه مأخذ سودمندی درباره حیطه گسترش نظریات حفاظت و مرمت در دوران پس از جنگ جهانی دوم نیز به شمار می‌آید. تأکید اصلی کتاب بر مسائل فنی، جنبه‌های سازه‌ای، بناهای تاریخی، دلایل زوال مصالح و سازه، وظیفه معمار حفاظتگر و روش‌های بررسی و تعمیر است. همزمان با شیوه‌ای منظم و عملی به مسائلی می‌پردازد که بازتاب رویکرد انتقادی و روش‌های بسط داده شده توسط براندی، با توسل به رویکرد دیوارنگاره‌ها به عنوان مثالی عملی نیز هست. فیلدن توصیه می‌کند که راهکارهای جانشین، پیش از آزمون انتقادی آنها به‌سان یک تئوری، به طور شفاف معین شوند تا راه‌حلی که کمترین بار نامطلوب را دارد پیدا شود. این رویه امکان اتخاذ تصمیمات واقع‌بینانه را میسر می‌سازد. بدین ترتیب حفاظت بناهای تاریخی یک حوزه چند منظوره و تخصصی است که گستره‌ای از مفاهیم زیبایی‌شناختی، تاریخی، علمی و فنی‌گوناگون را دربرگرفته و هماهنگ می‌سازد.^۱

فیلدن در ایران و در میان متخصصان و دانشجویان رشته مرمت و حفاظت بنا و بافت کاملاً شناخته شده می‌باشد. برخی از کتاب‌های او نیز به فارسی برگردانده شده‌اند؛ مانند کتاب «رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی جهان» که در سال ۱۳۸۲ توسط هوشنگ انصاری و سوسن چراغچی به فارسی برگردان و منتشر می‌گردد. این کتاب در سال ۱۳۸۶ نیز یک بار دیگر توسط پیروز حناچی ترجمه و منتشر می‌شود. پس از زمین‌لرزه بم نیز زنده یاد باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی نیاز به ترجمه کتاب «بین دو زمین‌لرزه» را احساس کرده و در نتیجه این کتاب نیز توسط ایشان و اکرم بحرالعلومی در سال بعد یعنی ۱۳۸۳ به فارسی برگردان و توسط موسسه ایکوموس ایران منتشر می‌گردد. در این میان اما شاخص‌ترین اثر فیلدن یعنی کتاب «حفاظت از بناهای تاریخی» با توجه به حجم بالا و مطالب فنی آن بدون ترجمه باقی می‌ماند که البته با توجه به اهمیت بالای آن به عنوان یک کتاب مرجع در مسائل فنی و رویکرد مرمتی و حفاظتی علمی آن نسبت به بناهای تاریخی، بر اساس توصیه دکتر شیرازی و توسط دانشجویان ایشان در دانشگاه آزاد تهران ترجمه می‌گردد که با عنوان «جزوه حفاظت از بناهای تاریخی» شناخته شده و در این سال‌ها با توجه به صاحب اثر و توصیه دکتر شیرازی و مقدمه ایشان بر آن ترجمه، به عنوان مرجعی

^۱ یوکا یوکیلهتو. (۱۳۸۶). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان. تهران: انتشارات روزنه.

در رشته مرمت شناخته می‌شد، اما از آنجایی که هر فصل از این ترجمه توسط یک نفر انجام گرفته بود و در تنظیم مطالب آن و تصاویر هماهنگی وجود نداشته و در مجموع کاری بدون انسجام و یکپارچگی و همچنین بدون دقت در امر ترجمه به دست آمده بود، به گونه‌ای که خواندن و درک مطالب آن تقریباً ناممکن بود. لذا نیاز به ترجمه دوباره آن با توجه به اهمیت اثر و توصیه دکتر شیرازی احساس می‌شد که این کار توسط نگارنده و با بهره‌مندی از رهنمودهای استادان گرانقدری همچون جناب آقای دکتر بهنام پدram، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان انجام پذیرفت که جا دارد در اینجا از لطف و راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان کمال تشکر و امتنان را بجای آورم. همچنین از سرکار خانم مهندس زهرا معصوم‌زاده نیز سپاسگزارم که بدون هیچ‌گونه چشمداشتی یاری و کمک خود را برای به سرانجام رساندن این کار دریغ نکردند. امید است که این ترجمه‌ی هر چند دیر هنگام، راهگشای مسائل علمی و پژوهشی دانشجویان و کارشناسان و دست‌اندرکاران امر حفاظت و مرمت بناهای تاریخی این سرزمین باشد.

همچنین از آنجایی که کتاب دارای واژگان فنی و تخصصی فراوانی است که بسیاری از آنها چون به معماری رایج در اروپا مرتبط بوده و حتی برگردان فارسی آنها نیز برای مخاطب کتاب ناآشنا خواهد بود، لذا تصمیم بر آن شد که برخی از واژگان تخصصی در انتهای کتاب به همراه توضیحات تشریحی و تصویری آورده شوند.

فی‌لندن پس یک عمر تلاش و تدریس و کار اجرایی در حفاظت معماری و با عشق و دلبستگی نسبت به بناهای تاریخی به‌ویژه کلیساهای انگلستان، سرانجام در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۸ در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فرو بست. گیوناتا ریزی‌دیپ^۱ یکی از شاگردان او درباره مرگ استاد چنین می‌گوید:

زمین معمار حفاظتگر بزرگی را از دست داد، اما آسمان او را به دست آورد. بی‌تردید او را [در آن جهان] این‌گونه خواهند یافت که مشغول بندکشی دیوارهای بهشت است و به آرامی به فرشتگان سفارش می‌کند که از بکار بردن سیمان پرتلند خودداری کنند.^۲

هوشیاری (پاییز ۱۳۹۳)

² Journal of Architectural Conservation. 2009. 15: 5-26.

¹ Gionata Rizzi Dip

- ۱- پیش از آغاز هر مداخله‌ای می‌بایست شرایط ساختمان به طور کامل ثبت گردد.
- ۲- مواد و مصالح و روش‌های بکار رفته در طول درمان باید مستندنگاری شوند.
- ۳- گواه تاریخی نباید تخریب، تحریف و یا برداشته شود.
- ۴- هرگونه مداخله‌ای می‌بایست به صورت حداقلی لازم باشد. باید برگشت‌پذیر بوده - یا دست‌کم تکرارپذیر، و مانع انجام مداخلات ممکن در آینده نشود.
- ۵- هرگونه مداخله‌ای می‌بایست با احترامی راسخ نسبت به یکپارچگی تاریخی، کالبدی و زیبایی‌شناسانه دارایی فرهنگی کنترل گردد.

این موارد سختگیرانه‌ترین دستورالعمل‌ها هستند. مداخلات نباید مانع دسترسی آینده به همه گواه‌های موجود در بنا گردد و بگذارند که بیشتر مصالح موجود حفظ شوند. مداخلات همچنین می‌بایست در رنگ، تیرگی و بافت هماهنگ بوده و اگر نیاز به بخش‌های افزوده‌ای باشد باید در شکل و اندازه پیوستگی داشته و همچنین از مصالح اصلی کمتر توجه‌برانگیز بوده؛ اما همزمان توسط یک بیننده ماهر قابل تشخیص باشد. افرادی که آموزش یا تجربه کافی ندارند نباید عهده‌دار کار شوند. با این همه، برخی از مشکلات منحصر بوده و در این مورد معمار حفاظتگر می‌بایست در جستجوی نظر شخص دیگری نیز برآید. او همچنین این حق را دارد که درخواست مشاوره علمی کند. یک معمار حفاظتگر به دلیل ماهیت تغییرناپذیر دارایی فرهنگی، دارای مسئولیت سنگینی می‌باشد. اصول حفاظت توسط شورای جهانی یادمان‌ها و محوطه‌ها (ایکوموس) در چهار منشور دسته‌بندی شده است:

منشور ونیز (۱۹۶۴) بر پایه کلیه موارد حفاظت نوین

منشور فلورانس (۱۹۸۱) پیرامون باغ‌ها و مناظر

منشور حفاظت از شهرهای تاریخی ۱۹۸۷

منشور جهانی مدیریت میراث باستان‌شناسی ۱۹۹۰

همچنین منشور بورا - درباره مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی - که توسط ایکوموس در استرالیا برگزار گردید را نیز باید یادآور شد (تجدیدنظر شده در ۱۹۹۹).

با این همه، «بیانیه‌ی جامعه حمایت از بناهای باستانی» (SPAB) منتشر شده توسط ویلیام موریس در سال ۱۸۷۷، دربردارنده

مهم است که بدانیم چرا ما به سمت یک بنای ارزشمند مربوط به یک دوره تاریخی جذب می‌شویم. نخست اینکه دستاورد فکری خلق اثری است بر مبنای زیبایی و بهره‌مندی. دوم اینکه دستاوردی انسانی تحت نظارت استادکاران سازنده آن است که توسط نسل‌های آینده درک می‌شود. این نظارت و توجه را در تعمیرات و تغییرات بعدی نیز می‌توان دید. سوم اینکه ما با آن حس مکان ایجاد شده توسط طراحان و همچنین بسیاری از کسانی که در آن بنا زندگی و کار کرده‌اند جذب آن می‌شویم.

آلن باکستر^۱ - نشریه حفاظت معماری، شماره دوم، ۲ جولای

۲۰۰۱

اساساً حفاظت در تعریف کلی شامل کنش‌هایی است که برای پیشگیری از فرسایش انجام می‌گیرد و همچنین در خلال این هدف دربردارنده مدیریت تغییرات و عرضه اثر به گونه‌ایست که پیام‌های آن بدون تحریف قابل فهم باشد. اما حفاظت معماری پیچیده‌تر است؛ نخست به دلیل اینکه یک بنا می‌بایست برپا بماند؛ دوم اینکه عوامل اقتصادی معمولاً این اجبار را به وجود می‌آورند که بنا باید مورد استفاده نیز قرار گیرد؛ سوم اینکه بنا باید در برابر تأثیرات آب‌وهوایی پایداری کند و از آنها بهره هم ببرد؛ و در نهایت اینکه گروهی کامل از «کارشناسان حرفه‌ای» باید با یکدیگر همکاری داشته باشند. کارشناس حرفه‌ای به کسی می‌توان گفت که از نظر هنری، فکری یا عملی به یک پروژه کمک می‌کند. حرفه‌های اصلی که در کار حفاظت معماری درگیر هستند؛ معماران، باستان‌شناسان، کارشناسان اقتصاد ساختمان، مهندسان سازه، برق و مکانیک، مورخان هنر، متخصصان مواد و مصالح، استادکار مربوط به هر یک از مصالح، پیمانکاران ساختمان، ارزیابان و برنامه‌ریزان شهری را شامل می‌شود. نباید فراموش کرد که مالک بنا یا نماینده او نیز یک همکار مهم به شمار می‌آید. این فهرست کامل نیست، زیرا یک پروژه ممکن است که در گروه به متخصصان دیگری مانند زیست‌شناسان، جغرافی‌دان‌ها، کارشناسان آب، کارشناسان زمین‌لرزه و حتی کارشناسان آتشفشان نیز نیاز داشته باشد. چگونه می‌توان با چنین گروه پیچیده و ناهمسانی به هماهنگی زیبایی‌شناسانه‌ای دست یافت؟

گروه حفاظت معماری باید اصول اخلاقی معینی را رعایت

کنند:

¹ Alan Baxter

نخستین بیان یک اصل قانونی است، و این مؤثرترین بیانیه در انگلستان بوده و هست. حفاظت معماری به یک بررسی کامل از وضع موجود بنا بستگی دارد، و به دنبال آن به هرگونه بررسی تحلیلی که لازم دانسته می‌شود، تا از کنش‌های سازه‌ای بنای یاد شده و عوامل فرسایش آن تشخیصی درست ارائه گردد. از این رو تا اندازه‌ای مانند کار پزشکی است. سپس لازم است که مسیرهای عملکرد جایگزین در نظر گرفته شوند. دستیابی به یک توافق با یک گروه میان‌دانشی کار دشواری است زیرا هر کارشناسی اهداف متفاوتی دارد و اغلب آموزش‌هایی که دیده‌اند موجب گردیده که ذهن یک متخصص با مطالب تخصصی فراوان خود محدود گردد. یک مهندس سازه بر استحکام و ایمنی تمرکز می‌کند؛ یک باستان‌شناس بر نگهداری مصالح اصلی متمرکز می‌شود؛ یک مورخ هنر نیز منتقد متخصصی است که آموزش دیده که آنچه هست را ببیند و تفسیر کند، اما اغلب در تصور کردن جایگزین‌هایی برای وضع موجود ناتوان است. دیگر اعضای گروه هم ممکن است موارد آشکار نشده‌ای داشته باشند که مربوط به حرفه بخصوص خود آنهاست.

نخستین گام این است که هدف یک پروژه حفاظتی تعریف گردد. گام بعدی شناسایی «ارزشها»ی موجود در اثر، بنای یادبود یا محوطه‌ایست که اموال فرهنگی مورد بحث می‌باشد، و قراردادن این ارزش‌ها در یک اولویت‌بندی. از این رو، پیام‌های ضروری اثر محترم دانسته شده و حفظ خواهد گردید. ارزش‌ها را می‌توان در زیر سه عنوان زیر دسته‌بندی کرد:

«احساسی»، «فرهنگی» و «کاربردی».

ارزش‌های احساسی

- شگفتی
- هویت
- تداوم

- احترام و ستایش
- نمادین و معنوی

ارزش‌های فرهنگی

- استنادی
- تاریخی
- قدمتی و باستان‌شناسانه
- ارزش‌های معمارانه و زیبایی‌شناسانه
- چشم‌انداز شهری
- چشم‌انداز زمین و بوم‌شناسی
- علمی و فناورانه

ارزش‌های کاربردی

- عملکردی
- اقتصادی (شامل گردشگری)
- اجتماعی (همچنین دربردارنده هویت و تداوم)
- آموزشی
- سیاسی

برخی از این ارزش‌ها سزاوارند که تقویت شوند. این ارزش‌ها می‌بایست تحلیل شده و سپس به منظور تعریف «اهمیت» اثر تاریخی با یکدیگر آمیخته گردند. احساسات معنوی و نمادین به آگاهی فرهنگی بستگی دارند. ما در مغرب زمین ادراک تزئینات نمادین و همچنین محتوای اشارات کلاسیک در نقاشی را تا اندازه بسیاری از دست داده‌ایم که اکنون بیشتر توسط مورخان هنری ادراک می‌شود. با این همه، برخی شکل‌های معمارانه‌ی بخصوص دارای پیام‌های معنوی می‌باشند- شکل‌های متفاوت برای فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، و حتی در عالی‌ترین موارد مانند ایاصوفیه در استانبول که به عنوان یک کلیسا، یک مسجد و اکنون یک موزه بکار گرفته شده، دارای پیامی جهانی است.

ارزش‌های معنوی می‌تواند از گواه خداشناسی گذشته و از بیان کنونی بنای یادمانی و محوطه‌اش سرچشمه گرفته باشند؛ برج‌های مخروطی شکلی که به آسمان سربرمی‌کشند، یا نیایشگاهی باستانی که بر روی پرتگاهی در برابر دریا جای گرفته، هر یک رساننده پیامی از ستیز با لایتنه‌های می‌باشند. هنگامی که گردشگران وارد بناهای بزرگ می‌شوند می‌توان دید که خطوط صورتشان آرام می‌شود، زیرا که ارزش معنوی مکان وارد روحشان می‌گردد. ممکن است که تمیز دادن میان ارزش‌های احساسی گوناگون سخت باشد، اما می‌توان آنها را به طور کلی در نظر گرفته و از ضعیف تا بسیار قوی درجه‌بندی کرد. ارزش‌های فرهنگی شامل زیبایی‌شناسی، تاریخ هنری، استنادی، باستان‌شناختی، معمارانه، فن‌آورانه، علمی، چشم‌اندازی و شهرشناسانه می‌گردد و توسط افراد دانش‌آموخته ادراک شده و بوسیله متخصصان و پژوهشگران تعریف می‌گردند. بنابراین ممکن است که درباره ترتیب نسبی اهمیت آنها در یک مورد خاص بحث بسیاری وجود داشته باشد. شاید رسیدن به یک توافق بر روی ترتیب اولویت آنها سخت باشد، اما با این حال [اولویت‌بندی آنها] برای اجرای موفقیت‌آمیز هرگونه مداخله‌ی پیشنهادی حیاتی است. دانشگاهیان برای چگونه به توافق رسیدن آموزشی نمی‌بینند، در حالی که کارشناسان حرفه‌ای که در متن دستیابی به راه‌حل‌های قابل قبول کار می‌کنند، به سازش بر روی غیر ضرورت‌ها عادت دارند.

ارزش‌های زیبایی‌شناسانه با فرهنگ و سبک زندگی تغییر می‌کند، اما به تدریج یک نظر همگانی غالب می‌شود. این ارزش‌ها با روش‌های انتقادی مورخان هنر تثبیت شده و همواره یک فاصله زمانی پیش از آنکه کلیت مردم بتوانند یک باور تجدیدنظر شده را بپذیرند، وجود دارد. پنجاه سال پیش تغییری آغاز شد و اکنون از آثار مربوط به دوره ویکتوریا و سده نوزدهم از نظر زیبایی‌شناسی لذت برده می‌شود. در کل نمودار درک زیبایی‌شناسانه‌ی یک اثر هنری در سی سال نخست از تولید آن بسیار پایین بوده و پس از آن است که رو به بالا می‌رود.

ارزش‌های هنری ذهنی هستند. هرچه کار متأخرتر باشد، ارزیابی آن ذهنی‌تر است. پس از اشتیاقی که اغلب به طور مصنوعی توسط رسانه‌ها در زمان خلق یک ساختمان جدید ایجاد می‌گردد، معمولاً این‌گونه دیده می‌شود که ارزش هنری آن در نزد نسل بعدی به شتاب رو به کاهش بوده، سپس انتظار می‌کشد تا دوباره توسط یک مورخ هنری کشف شده و آغازی شود برای ادراک ارزش‌های آن توسط متخصصانی که برای شناخت دوباره آن نبردی مقدس را به‌راه خواهند انداخت، که ممکن است بنا را پس از سه نسل به آن جایگاه رسمی برساند- البته اگر تا آن زمان باقی بماند. آثار هنری می‌توانند به خوبی باقی بمانند، اما ساختمان‌ها در این فرآیند در معرض همه‌گونه تهدیدی قرار دارند. نخست اینکه باید بتوانند پابرجا بمانند، و پس از آن انتظار می‌رود که مورد استفاده قرار بگیرند، چه اینکه اثری بزرگ باشند یا کوچک. ممکن است که در این فرآیند زنده ماندن دو یا سه بار نیز سازگار گردند- که هرگونه سازگارسازی به طور بالقوه از ارزش هنری آن می‌کاهد، اگرچه ممکن است که در برخی موارد نیز این ارزش بهبود یافته باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، ارزش‌های هنری از نسلی به نسل دیگر تغییر می‌کند. نسخه‌های جعلی از کار ورمیه^۱ که توسط ون‌میگه‌رن^۲ ایجاد گردید، متخصصان را فریب داد، زیرا دارای همه آن ویژگی‌هایی بودند که متخصصان به ورمیه منسوب می‌دانستند. یک نسل بعد که ما چیزها را متفاوت می‌نگریم و آزمایش‌های علمی نیز پیچیده‌تر شده‌اند، دیگر شناسایی این نسخه‌های جعلی کار سختی به نظر نمی‌رسد. با این همه، هرچه کار هنری قدیمی‌تر باشد باورهای متخصصان نیز نسبت به اهمیت و ارزش هنری آن همسان‌تر می‌باشد. کنایه‌آمیز اینکه برای مورخان هنری سخت است که بپذیرند یک کار حفاظتی در نهایت یک کار هنری است.

ارزش‌های معمارانه مربوط به حرکت شخص شرکت‌کننده از میان فضاها به سوی احساساتش، که احساسات در این فضاها کاملاً دیداری نبوده، و به سوی علاقه‌اش نسبت به رفتار تندیس و قالب‌پذیر تزییناتی از اشکال و فضاهای معنادار می‌باشد. این موضوع به‌همراه لذت بردن او از رنگ و بافت مصالح، و همچنین در ادراک او نسبت به هماهنگی، مقیاس، تناسب و آهنگی که به‌وسیله عناصر طراحی با هندسه ضمنی آنها ارائه می‌گردد، ارزش‌ها را تقویت می‌کند. از آنجایی که همه حواس شرکت‌کنندگان درگیر می‌باشد، بنایی که به بدی ایفای نقش کند، ارزش معمارانه پایینی خواهد داشت، اگرچه شاید برای مدت کوتاهی مدعی ارزش‌های زیبایی‌شناسی یا مدگرایانه باشد. در حفاظت، ایقا یا بازتولید طرح به منظور حفظ ارزش‌های معمارانه از اهمیت برخوردار است.

ارزش‌های معمارانه توسط سرهنری ووتن^۳ با عنوان «وسيله، استحکام و لذت» تعریف شده است. لذت، عنصر هنری معماری مانند ارتباط بنا با محوطه، حجم و نیمرخ سیاه بنا، تناسبات عناصر به صورت یکپارچه، اندازه عناصر در رابطه با ابعاد انسانی، مناسب بودن مصالح و آرایه‌های معماری، و اهمیت بنا در سلسله مراتب میراث شهر یا کشور را دربر می‌گیرد. در بناهایی که در بالاترین سطح از سلسله مراتب مذهبی یا مدنی جای دارند، ارزش‌های پیکرتراشانه نیز به نمایش گذارده می‌شود. در موارد بسیار مهمی مانند اهرام، این ارزش به عنوان یک پیکره یادبودی صرف وجود دارد. در دوره‌های بخصوصی از معماری شکوهمندانه است که پیکره و معماری یکی می‌گردند، مثلاً مانند پارتنون در یونان، نیایشگاه خورشید در کنارک^۴ هند و کلیسای جامع شارتر^۵ در فرانسه. استحکام نیز به سازه بنا مربوط می‌شود که می‌بایست در برابر بارهای وارده از انواع مختلف کاربری‌ها، به همراه باد، برف، زمین‌لرزه- در مناطق زمین‌لرزه‌خیز و بار وزن خودش پایداری کند. شالوده‌ها که بر روی خاک‌ها و صخره‌هایی با ویژگی‌های بسیار گوناگون قرار دارند، این بارهای ترکیبی را به زمین منتقل می‌کنند. سازه‌هایی که مهندسی فوق‌العاده‌ای دارند از زیبایی انکارناپذیری نیز برخوردارند. استحکام دربردارنده‌ی دوام است.

«وسيله» مربوط به کاربردی بودن ساختمان می‌شود. اگر که از نظر بهره‌مندی نتوان از بنا استفاده کرد و بنا متروکه شود، در معرض تهدیدهای اقتصادی قرار می‌گیرد. با این همه، دیده شده است که بناهای تاریخی در صورتی که بتوان تغییرات کوچکی را در آنها سازگار کرد، نسبت به طیف گسترده‌ای از کاربری‌ها انعطاف‌پذیر می‌باشند.

³ Sir Henry Wooten

⁴ Sun Temple at Konarak

⁵ Chartres Cathedral

¹ Vermeer

² Van Meegeren

درکل تازه کردن و توانمند ساختن بناهای مسکونی در یک شهر طرح بهتری نسبت به تخریب و دوباره‌سازی می‌باشد.

با این همه، ارزش‌های عالی معمارانه فضایی و محیطی هستند. با راه رفتن در یک مجموعه معماری است که آدمی با بکارگیری چشمان، بینی، گوش و لامسه کیفیت آنرا حس می‌کند. تنها با بازدید از یک ساختمان یا مجموعه است که می‌توان ارزش زیبایی‌شناسانه واقعی آن را درک کرد. چشم‌انداز شهری عنصری مهم در حفاظت شهری است. ارزش‌های منظر شهری به مجموعه‌های ساختمانی، فضاهایی که در آن برپا هستند، و همچنین چگونگی سنگفرش سطوح، جاده‌ها و فضاهای همگانی بستگی دارد. اغلب یک بهم‌ریختگی نامربوط در سیم‌کشی، روشنایی خیابان‌ها، باجه‌های تلفن، ترانسفورماتورها و آگهی‌های تبلیغاتی، چشم‌انداز شهری را خراب می‌کند. منظر شهری چشم‌اندازهایی از نقاط مبدأ و دورنماهای مهم را نیز شامل می‌شود. دلبستگی به منظر شهری را می‌توان در پیاده‌روی پیرامون بناهای فاخر تحسین‌برانگیز دید، رفتن به پایین خیابان‌های باریک به سوی فضاهای بازی که شاید ویژگی‌های چشمگیری چون پلکان‌های اسپانیایی در رم را دربر داشته باشند.

جایگاه شهری بناهای یادبود نیز برای ادراک آنها حیاتی می‌باشد، مانند بناهایی که برای محوطه بخصوص‌شان، برای بودن در یک خیابان، یک میدان یا یک مکان خرید طراحی شده‌اند. دگرگونی‌های جدید می‌تواند تأثیری منفی داشته باشد، همان‌طور که به عنوان نمونه در ایجاد گشودگی خیابان عریض از سمت رود تیبر^۱ تا نمای سنت پیتر رُم دیده می‌شود. تحلیل کیفیت یک شهر شامل فشرده‌سازی و گشودگی فضا، فضاهای رسمی، شگفتی‌ها، نمایش‌ها و کالدهای زیبای معمارانه است. فضاهای شهری اغلب به صورت نامشهود در بافت غنی شهرهای تاریخی نفوذ می‌کنند. این کار از نوسازی تدریجی ناشی می‌شود که در آن هر افزوده‌ای با یک یکپارچگی ضمنی به‌دست آمده با مصالح بومی و فناوری ساختمان‌سازی سنتی به دقت طرح‌ریزی شده و برای ارائه محیطی با یک مقیاس انسانی ترکیب می‌شوند.

ارزش‌های کارکردی و اقتصادی هنگامی مهم هستند که توانمندسازی و تازه‌سازی بناها، به‌ویژه برای سازه‌های مدرن در نظر گرفته شوند. ارزیابان بنا در این زمینه می‌توانند همکاری مهمی داشته باشند.

ارزش‌های اجتماعی بیشتر زیرمجموعه ارزش‌های عاطفی به شمار می‌آیند، اما به حس تعلق به مکان و گروه نیز مربوط می‌شوند.

ارزش‌های آموزشی به آسانی با بررسی تاریخ، به‌ویژه تاریخ اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شوند، همان‌گونه که بناهای تاریخی بسیاری از شواهد تاریخی را فراهم می‌آورند. یکی از انگیزه‌های عمده در حفاظت معماری فراهم ساختن فرصت‌های آموزشی است.

تعریف ارزش‌های سیاسی چندان سخت نیست. بناهای تاریخی و محوطه‌های باستان‌شناسی را می‌توان برای تثبیت تاریخ یک ملت در اذهان مردم بکار گرفت. این موضوع برای ملت‌های جدید بسیار مهم بوده و برای خیلی از پروژه‌های تأثیرگذار در نظر گرفته می‌شود. شاید مهم‌ترین و سودمندترین طرحی که بیشتر از انگیزه‌های سیاسی الهام گرفته، دوباره‌سازی ویرانه‌های ورشو برای کمک به تثبیت دوباره‌ی هویت سیاسی و همچنین فرهنگی لهستان پس از ویرانی هولناک جنگ جهانی دوم باشد. در واقع ارزش‌های سیاسی در حفاظت وجود دارند؛ یک وزیر می‌تواند با چند برنامه مرمتی کم‌وبیش بزرگ تبلیغات بسیاری برای خود ایجاد کند.

بدیختانه هزاران عملکرد کوچکی که یک برنامه مراقبت پیشگیرانه را شکل می‌دهد به اندازه یک عملکرد بزرگی که اغلب تأثیرات منفی برهم‌زننده‌ای داشته، نیروی کار را مختل کرده و بودجه را از کارهای از پیش برنامه‌ریزی شده دور می‌کند، موفقیت سیاسی به دست نمی‌آورد. به دلیل فشارهای سیاسی اعمال شده توسط گروه‌های مذهبی و نژادی، کار حفاظتی اغلب تحریف شده و چنین گروه‌هایی بیشتر با درصدد برآمدن برای مرمت بسیار، خواهان دوباره‌نویسی تاریخ هستند. ویوله لودوک هنگامی که مرمت سبکی‌اش را در پیرفاند^۲ در نزدیکی پاریس انجام می‌داد تسلیم فشار سیاسی ناپلئون سوم امپراتور فرانسه گردید. ملت‌هایی که تقریباً به تازگی خود را تثبیت کرده‌اند خواهان استفاده از محوطه‌های تاریخی به عنوان بخشی از برنامه‌های سیاسی خود هستند تا هویت خود را اثبات کنند.

من با برخی از این ارزش‌ها در یک اثر فرهنگی یا بنای تاریخی سروکار داشته‌ام، زیرا موفقیت کار میان دانشی بستگی به سازماندهی این ارزش‌ها دارد تا اهمیت خاستگاه تاریخی درک شود.

روند بکارگیری تحلیل ارزش

اینکه در نظر گرفتن ارزش‌ها در دارایی فرهنگی باید تا آنجا که امکان داشته و منصفانه است به صورت عینی ارزیابی گردد، امری ضروری است. همواره این خطر وجود دارد که برنامه حفاظتی تنها بازتاب‌دهنده اهداف اداری آن بخش از دولت باشد که مسئول آن است. یک گفته قدیمی از فرقه ذن وجود دارد که می‌گوید «مرد دیوانه به سمت شرق می‌دود، نگهدارنده او نیز به سمت شرق می‌دود؛ هر دو به

² Pierrefonds

¹ Tiber

سمت شرق می‌دوند، اما اهداف آنها متفاوت است!» بنابراین عاقلانه است که بر یک تیم کاری میان‌دانشی، میان‌گروهی اصرار شود که دربردارنده افرادی باشد که حقیقتاً به همه ارزش‌ها در دارایی فرهنگی علاقه‌مند بوده، تا آرمان‌ها و اهداف برنامه حفاظتی را تعیین کنند. کار آنها سازگار کردن اهداف خود و همچنین مسیر حرکتشان می‌باشد. بحث کردن تا آنجا ارزشمند است که سودمند و سازنده باشد. من بهترین کار را این دانستم که گروه حفاظتی پس از آزمایش کردن موارد ممکن عملی، گزینه «کمترین بد» را انتخاب کنند.

آموزش یک معمار بر طراحی متمرکز است. هدف او ایجاد بنایی است که در قیمت و زمان توافق شده به خوبی طراحی شده باشد. این کار ساده‌ای نیست، زیرا این سه هدف تناقض‌هایی را دربردارند. در حقیقت طراحی خوب نیازمند زمان و صرف هزینه است، اما طراحی خوب از مفهوم گرفته تا جزئیات کوچک با یک ثبات در سبک به دست می‌آید. هدف ایجاد اشکال و فضاهایی است با جزئیات و آرایه‌های مناسب. معمار آموزش می‌بیند تا راه‌حلی را برای مشکلات پیچیده تصور کند و با اسکیش‌هایش فکر کند. او به عنوان یک طراح، نسبت به عنصر طراحی در بناهای تاریخی حساس می‌باشد، اگرچه ممکن است این بناها در سبک‌های بسیار گوناگونی ساخته شده باشند. طرح خوب راه‌حل‌های ساده‌ای را برای مشکلات ارائه می‌دهد. من به عنوان یک معمار حفاظتگر تلاش می‌کنم تا بگذارم هر بنایی که تحت مراقبتیم است با من حرف بزند. گاهی تقریباً به همراه سازندگان اصلی حفاظت کرده‌ام که هر کدامشان به سبک زمان خود ساخته‌اند. ارزیابی مزیت یک بنا در صورتی که ساختمان جدیدی باشد کار سختی است. زمان به مشخص شدن این فرآیند کمک می‌کند، بدین‌سان که اگر بنا سه نسل از کاربرد سودمند خود را سپری کرده باشد، می‌توان آن را بنای ارزشمندی دانست. ویژگی و کیفیت بناها نیز مانند انسان‌ها با پیرتر شدن بیشتر قابل تشخیص می‌شود. معماری که یک طراح خلاق باشد مانند یک آهنگساز است. معمار حفاظتگر مانند رهبر یک ارکستر است؛ او این امتیاز را دارد که نمی‌تواند تغییر کند. او باید با کمک نوازندگان و قدرت تفسیرش و براساس ادراکش از پیام‌های موجود در موسیقی، یک کار هنری را تولید کند. هنگامی که یک پروژه حفاظتی یک موفقیت هنری نباشد، باید آن را یک شکست تلقی کرد.

حفاظت از بناهای تاریخی ما نیازمند مدیریت خردمندانه منابع، قضاوت درست و حساسیت زیبایی‌شناسانه و یک حس تشخیص درست می‌باشد. بیش از همه اینها شاید نیازمند علاقه و فداکاری باشد تا اطمینان حاصل شود که میراث فرهنگی ما حفظ می‌گردد. رویه

حفاظت نوین باید در دراز مدت بر ستیز با عوامل روند ویرانی تمرکز داشته باشد. اقتصاد صنعتی ما نمی‌تواند و نباید متوقف گردد، اما می‌توان با مبارزه با گسترش و بهره‌برداری بیهوده و مهار نشده از منابع طبیعی، و با کاستن از آلودگی در همه شکل‌هایش، به پایداری جهانی کمک کرد و آسیب‌رسانی به بناهای تاریخی را کاهش داد. بنابراین حفاظت در وهله نخست به دلیل کاربردش در زمان کنونی و آینده فرآیندی است که منجر به طولانی شدن زندگانی اموال فرهنگی می‌شود.

کنیت فرامپتون^۱ می‌پرسد:

آیا معیارهای ما آنقدر سخت شده‌اند که مانع از یک رویکرد آزادانه‌تر نسبت به دوباره‌شکل‌دهی و اختصاص شکل باستانی گردند؟ به نظر می‌رسد که جهان به صورت یکپارچه و به طور فزاینده‌ای درگیر اداری‌بازی پیش‌رونده‌ای در حفاظت شده است... در یک سوی بحث با خلوصی معمارانه، و در سوی دیگر گرایش به بازسازی بدون ظرافت که با عدم خلوص انجام می‌گیرد؛ مورد دوم منجر به نوعی دنیای دیزنی^۲ می‌شود که هیچکس نیازمند آن نبوده و علاقه‌ای به آن ندارد. در میان این دو قطب، بدون شک «زمینه وسط» هوشمندانه‌ای نیز وجود دارد که با حساسیست درجه‌بندی شده باشد.

کنت فرامپتون - نوگرایی و فرهنگ محلی در معماری و جهان اسلام، تایمز و هودسون ۲۰۰۱ جایزه آفاخان.

بناهای تاریخی دارای امتیاز مصرف پایین انرژی، تناسبات وسیع و عمر دراز مدت می‌باشند، بنابراین آموزه‌هایی که از بررسی این بناها فرامی‌گیریم با معماری نوین ارتباط پیدا می‌کند که می‌بایست با چنین ویژگی‌هایی همسو شود. این بناها به ما می‌آموزند که ساختمان‌ها به عنوان ساختارهای محیطی فضایی عمل می‌کنند، و باید به صورت یکپارچه ادراک شوند. هیچگونه دوگانگی میان بناهای تاریخی و نوین وجود ندارد - هر دو مورد استفاده درست و نادرست قرار می‌گیرند، و می‌بایست پابرجا بمانند. با این همه هنوز درک نشده که فناوری پیچیده ساختمان‌سازی سنتی چگونه بوده است. زیرا طراحانی که فناوری نوین را بکار می‌برند، در ادراک بناها به عنوان یک کلیت ناموفق بوده‌اند، و اکنون می‌بایست آموزه‌های بسیاری را از نو فرا بگیرند. این امتیازی برای عملکرد یک معمار به شمار می‌آید که دست‌کم یک عضو گروه طراحی‌اش درباره حفاظت از بناهای تاریخی آگاهی داشته باشد.

«مطالبات از کسانی که مسئول تعمیر و حفاظت از میراث مصنوع ما هستند از جهات بسیار و ناهمسویی رو به افزایش است. از

² Disney World

¹ Kenneth Frampton

یک سو این ادراک فزاینده وجود دارد که همه تعمیرات و مداخلات باید در یک حداقل مطلق نگه‌داشته شوند. از سوی دیگر انتظارات افزایش یافته نسبت به اجرا، ایمنی و دیرپایی... به‌همراه نگرانی‌ها و محدودیت‌های هزینه‌ای نسبت به غرامت شغلی [وجود دارد].» رابرت دماوس^۱

این کتاب بیشتر براساس تجربیات خود من است. اصول حفاظت را در کاربرد در بناهای تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد و اطلاعات بنیادین موردنیاز معماران، مهندسان و ارزیابان ساخت و ساز جهت حل مشکلات حفاظت معماری را برای تقریباً هرگونه اقلیمی فراهم می‌آورد. یک همپوشانی مهمی میان کار یک معمار حفاظتگر و کار یک ارزیاب ساخت و ساز وجود دارد. آنجایی که من واژه «معمار» را بکار می‌برم، اغلب پنداشته می‌شود که شامل یک ارزیاب کاملاً واجد صلاحیت نیز می‌باشد.

این کتاب در سه بخش شکل گرفته است. در بخش نخست به عناصر سازه‌ای بناها با جزییات آن پرداخته می‌شود. بخش دوم بر عوامل فرسایش تمرکز دارد که به طور نظام‌مند از نقطه‌نظر مصالحی که عوامل بر آنها اثر می‌گذارند بررسی شده است. بخش سوم نیز به نقش معمار حفاظتگر می‌پردازد، با بررسی‌ها و برداشت از بنا آغاز می‌شود و سازماندهی کار و کنترل هزینه‌ها را شامل می‌شود. برخی روش‌های فنی بخصوص نیز مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. یک فصل جدید (فصل ۱۳) نیز درباره همکاری میان‌دانشی به لحاظ اهمیت موضوع افزوده گردیده و یک فصل دیگر (فصل ۲۲) هم مقدماتی بر حفاظت از ساختمانهای نوین را ارائه می‌دهد.

اگرچه بهترین منابع شناخته شده برای خودم را در دستورالعمل‌ها و مشخصات درمان‌های شیمیایی بکار برده‌ام، اما باید سفارش کنم که این موارد پیش از کاربرد گسترده، در بخش‌های کوچک نامعلومی مورد آزمایش قرار گیرند. همچنین از آنجایی که ما نسبت به سمی بودن مواد شیمیایی و تأثیر آنها بر گیاهان، جانوران و انسان‌ها آگاه‌تر شده‌ایم، باید نسبت به کاربردهای محتاط باشیم، زیرا ممکن است که در برخی آماده‌سازی‌های شیمیایی خطراتی وجود داشته باشد. تنها افراد کارشناس می‌بایست مواد شیمیایی را بکار برند.

در مجموع، روش‌شناسی حفاظت برای همه کارکنان این زمینه بکار برده می‌شود و بر اساس بازرسی دیداری است که پیش از ارائه یک تشخیص، به بررسی‌های ویژه‌ای تا یک عمق توجیه‌پذیر منجر می‌شود. باید مانند دانش پزشکی نخست نیازهای بیمار برآورده شود، و معمار نباید در صورت لزوم برای درنظر گرفتن یک عقیده

دیگری تردید کند، و باید حق دریافت پشتیبانی علمی را نیز داشته باشد. همه گزینه‌های عملی باید جستجو و سپس از لحاظ نظری ارزیابی گردند تا راه‌حل «کمترین بد» را بیابد که این راه‌حل نیز می‌بایست خصوصیات بناهای تاریخی را محترم بدارد.

کار حفاظتی میان‌دانشی است، مهارت‌های بسیاری را دربردارد که به ارائه یک راه‌حل متعادل کمک می‌کند. پیش از آنکه معمار پروژه‌ای را برعهده بگیرد، می‌بایست ارزش‌های بنای تاریخی، و پیام‌های موجود در آن ارزیابی شده و در یک ترتیب اولویتی مورد پذیرش قرار بگیرند. معمار در اجرای یک پروژه حفاظتی نقشی شبیه نقش یک رهبر ارکستر را دارد. ساختمان نشان موسیقایی اوست، ممکن نیست که یک نت تغییر کند؛ همچنین مهارت هنری در عرضه بنا نیز باید موسیقی معمارانه آن را برای ناظران لذت‌بخش سازد.

برنارد فیلدن (۲۰۰۲/۲/۲۵)

^۱ Robert Demaus

فهرست مطالب

۵	مقدمه‌ای بر کتاب حفاظت از بناهای تاریخی (دکتر بهنام پدرام)
۷	دیباچه مترجم
۱۰	دیباچه‌ای برای ویرایش سوم
۲۰	۱ مقدمه‌ای بر حفاظت معماری
۳۹	بخش اول جنبه‌های سازه‌ای بناهای تاریخی
۴۰	۲ کنش‌های سازه‌ای بناهای تاریخی
۵۲	۳ عناصر سازه‌ای - بخش نخست: تیرها، قوس‌ها، تاقها و گنبدها
۶۴	۴ عناصر سازه‌ای - بخش دوم: خرپاها و قاب‌ها
۷۲	۵ عناصر سازه‌ای - بخش سوم: دیوارها، جرزها و ستون‌ها
۹۲	۶ عناصر سازه‌ای - بخش چهارم: شالوده‌ها
۱۰۳	بخش دوم عوامل فرسایش در مصالح و سازه
۱۰۶	۷ عوامل آب و هوایی فرسایش
۱۳۲	۸ بناهای تاریخی در مناطق زلزله‌خیز
۱۴۸	۹ عوامل گیاهی، زیستی و میکروبی فرسایش
۱۵۴	۱۰ حشرات و دیگر آفتها به عنوان عوامل فرسایش
۱۷۲	۱۱ عوامل انسانی فرسایش
۱۹۰	۱۲ محیط درونی بناهای تاریخی
۲۰۵	بخش سوم نقش معمار حفاظت‌گر

۲۰۶ پروژه‌های همکاری میان‌دانشی در انگلستان بر اساس رهنمودهای ایکوموس
۲۲۴ بازرسی‌ها و گزارش‌ها
۲۴۲ پژوهش، تحلیل و ثبت داده‌ها
۲۵۶ مراقبت پیشگیرانه از بناهای تاریخی
۲۷۰ آتش‌سوزی
۲۸۰ عرضه بناهای تاریخی
۲۹۲ کنترل هزینه پروژه‌های حفاظتی
۲۹۸ توان‌بخشی بناهای تاریخی
۳۱۴ فنون ویژه تعمیر و استحکام‌بخشی سازه‌ای
۳۳۸ حفاظت از ساختمان‌های جدید
۳۴۷ واژه‌شناسی فصل‌های کتاب